

## سازماندهی مجدد حزب بورژوا- ناسیونال (کومین تانگ)

روز ۴ سپتامبر سال ۱۹۲۲، سون یات-سن اعلام نمود که خواهان بازسازی دوباره کومین تانگ می باشد. با آغاز ژانویه سال بعد از آن، برنامه های او مورد تأیید قرار گرفته و از طرف "چن تو-سیو" و بین الملل کمونیستی روسیه مورد حمایت قرار گرفت. در این توافق ها، مقرر شد که "جافی" سفیر لنین در چین باشد. سون در سال ۱۹۲۳، شروع به ساختن یک ارتش ملی مستقل نمود و به این منظور "چیانگ کای شک" را به روسیه فرستاد تا هم سازماندهی نظامی را بیاموزد و هم با خود از روسیه اسلحه بیاورد.

حزب کمونیست چین در سومین کنگره خود، در ماه ژوئن سال ۱۹۲۳، رابطه خود با کومین تانگ را به بحث گذاشت. یک بار دیگر مارینگ به نمایندگی از طرف بین الملل کمونیستی برای حفظ "بلوک داخلی" قدم جلو نهاد و اذعان داشت که کومین تانگ می بایستی رهبری انقلاب ملی را در دست داشته باشد. از طرف چین و سایرین در درون بلوک مخالفت های قابل ملاحظه ای وجود داشت، اما بالاخره همه بر موضع بین الملل کمونیستی توافق کردند و اضافه نمودند که حزب کمونیست چین همواره می توانست از استقلال خود در درون این ائتلاف برخوردار باشد. در حقیقت اما، همان طوری که کمونیست ها به زودی پس از آن آموختند، این "استقلال" خیالی بیش نبود. با وجود این که اعضای حزب کمونیست بودند که رهبری پیشروترین قشر طبقه کارگر را به دست داشتند، اما مسأله "استقلال" آن ها دستاویزی

شد برای ملی گرایان محافظه کار بر علیه کمونیست ها و از آن برای به هم زدن رابطه بین دو حزب استفاده کردند.

با وجود تمام مخالفت ها و دشمنی ها از هر دو طرف، بالاخره در اولین کنگره ملی سال ۱۹۲۴، کمونیست ها نیز شرکت داشتند. کمونیست ها در تمام سطوح، به خصوص در زمینه سازماندهی و امور کارگری حضور داشتند. تنها جایی که کمونیست ها نتوانسته بودند، رخنه کنند، شورای نظامی کومین تانگ بود و این که نتوانسته بودند به درجات بالای این ارتش برسند. در "آکادمی نظامی وامپوا" (که به سال ۱۹۲۴ تأسیس گردید)، کمونیست ها و سوسیالیست های جوان یک ارتش اقلیتی را از فارغ التحصیلان جدید درست کردند، اما با وجود این رهبری حزب کمونیست چین بیشتر در سطوح سیاسی این ارتش بود تا نظامی آن.

در درون کومین تانگ، حزب کمونیست خود را به فراکسیون های متعددی در آورد و پر کارترین بخش حزب و سازمانده آن شناخته شد. در این مقطع، حزب کمونیست کوشید تا جناح های چپ درون کومین تانگ را بر علیه جناح راست شورانده تا بدینسان بتواند به بخش های کلیدی کومین تانگ دست یازد. در این امر، البته آن ها تا حد قابل ملاحظه ای موفق شدند، اما بالاخره جناح محافظه کار را به مخالفت با خود برانگیختند.

پس از مرگ سون در سال ۱۹۲۵، محافظه کاران تدریجاً به قدرت خود در پس پرده افزودند که عواقب مصیبت باری برای حزب کمونیست به بار آورد. حزب کمونیست برای مثال دیگر قادر نبود چهره طبقاتی مستقلى را در برابر طبقه کارگر از خود ارائه دهد. کومین تانگ می خواست اهداف حزب را بالاخص به اهداف ناسیونالیستی درآورد و حزب کمونیست آمادگی این را

نداشت که طبقه کارگر را با فکر به این که یک چین متحد می تواند به طور اساسی بر خواسته های آن ها چهره عمل به پوشاند، به گمراهی کشد. برخی از اعضای کومین تانگ زمیندار بزرگ و صاحب کارخانجات مختلف بودند. هدف اصلی کمونیست ها ایستادن در برابر این قبیل افراد بود.

چنین تضادهایی دشمنی را بین کمونیست ها و محافظه کاران تقویت می کرد. در خصلت کومین تانگ بود که این دشمنی را دامن بزند. در سال ۱۹۲۴، حزب کمونیست، دوباره آماده ترک این ائتلاف شد و بار دیگر فشار از جانب بین الملل کمونیستی و تغییراتی در وضع سیاسی جبهه متحد، آن ها را در درون این ائتلاف حفظ کرد. طبقه کارگر دوباره شروع به بازسازی خود، پس از کشتار ۷ مه کارگران راه آهن گردید و به سازماندهی اعتصابات در کانتون و شانگایی پرداخته و هم زمان به بازسازی اتحادیه های کارگری پرداخت. همکاری ای در این امور بین حزب کمونیست و کومین تانگ صورت گرفت که اختلافات آن ها را برای مدتی در خود دفن کرد. چهارمین کنگره حزب کمونیست چین (۲۵ ژانویه) از جبهه متحد تشکیل شده بود. اما چن به انتقاد از آن و کمونیست ها پرداخت که بیش از اندازه از کومین تانگ اطاعت می کردند. در این کنگره (حدود ۱۰۰۰ نفر شرکت داشتند) تصمیم گرفته شد که از مقررات سخت ورود به حزب کاسته شود و بیشتر خود را به یک حزب پرولتری توده ای تبدیل کند، به جای صرفاً جمع عده ای روشنفکر.

بازنویس: یاشار آذری

آدرس انترنتی کتابخانه: <http://www.javaan.net/nashr.htm>

آدرس پستی: BM IWSN, London WC1N ۳XX, UK

ایمیل: [yasharazarri@yahoo.com](mailto:yasharazarri@yahoo.com)

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۴